

### متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیز: در تعریف تفکر داریم که: تفکر حرکت الی المبادی، و من المبادی الی المراد، است. با توجه به این تعریف با تفکر بالقوه های ما بالفعل می شود چون تفکر حرکت است، درست است؟ حالا هر نوع تفکری در ما فعلیتی ایجاد می کند؟ یعنی حتی اگر تفکرات ریاضی و هندسه داشتیم؟ در حرکت جوهری داشتیم که بالفعل شدن باعث شدت وجود می شود، این تفکرات چه شدت وجودی ایجاد می کنند؟ با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آن تعریف در علم حصولی است ولی آن تفکری که موجب شدت وجود می شود تفکری است که در تعریف آن داریم: «تفکر، رفتن از باطل سوی حق / به جزو اندر بدیدن کلّ مطلق» که در اوائل کتاب «امام خمینی و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه» بحث آن شده که: رفتن از باطل به سوی حق، در عرفان به معنی عبور از مشهورات زمانه و توجه به حقایق ثابت هستی است. عرفای بزرگ مفرمایند: تا کسی از عادات زمانهی خودش عبور نکند نمیتواند سلوک را شروع نماید. با تعریفی که عرفا از فکر دارند وقتی نتوانیم از مشهورات زمانه و عادات اجتماعی عبور کنیم هنوز تفکر را در خود شروع نکرده ایم. در نتیجه برای فکرکردن باید زمانهی خود را بشناسیم تا گرفتار مشهورات و عادات آن نشویم، باید به درستی بفهمیم چرا زمانهی ما فعلاً زمانهی بفقری است تا عادات و مشهورات زمانه را مبادی فکر خود قرار ندهیم و در بفقری گرفتار نشویم. تفکر، گذشتن از حجاب کثرت و شهود حق در تمامی موجودات است و تفکر به این معنا بدون حضور و دلاگاهی تحقق نمیابد. موفق باشید